

واکاوی نقش اینترنت و
رسانه‌های اجتماعی جدید در
تحولات منطقه خاورمیانه و
شمال افریقا (اطلاع‌رسانی،
سازماندهی و گسترش سریع تحولات)

* سید داود آقایی

** سید سعید صادقی

*** داریوش هادی



* سید داود آقایی استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران می‌باشد.

** سید سعید صادقی کارشناس ارشد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران می‌باشد.

sss.sadeghi2@gmail.com

*** داریوش هادی کارشناس ارشد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران می‌باشد.

تاریخ تصویب: ۹۱/۲/۲

تاریخ دریافت: ۹۰/۱۱/۱۸

فصلنامه روابط خارجی، سال چهارم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۱، صص ۳۴-۷.



چکیده

یکی از بحث‌های مهم در مورد شکل‌گیری و گسترش تحولات منطقه خاورمیانه، نقش رسانه‌های جدید، اینترنت و شبکه‌های مجازی و اجتماعی در این تحولات است. تأثیر رسانه‌های ارتباطی و به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی در اطلاع‌رسانی و گسترش سریع تحولات انقلابی در کشورهای منطقه انکارناپذیر است. رسانه، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، آگاهی را در بین اقشار مختلف کشورهای درگیر منطقه به‌ویژه قشر جوان بالا برده، توجه آنها را به آنچه در اطرافشان می‌گذشت جلب کرده و فرایند تحولات منطقه را تسهیل و تسریع نموده است. جهت‌دهی به افکار عمومی در شبکه‌های اجتماعی در دو مرحله صورت می‌گیرد: در مرحله نخست، شبکه‌سازی در فضای مجازی و در مرحله دوم شبکه‌سازی و مشارکت در فضای واقعی. بدین ترتیب همان‌گونه که شاهد بودیم، نقش اجتماع‌سازی شبکه‌های اجتماعی در برخی از کشورهای منطقه موجب ایجاد بحران شده و در کنار عوامل دیگر، زمینه را برای سقوط و اصلاحات سیاسی برخی از رژیم‌های منطقه فراهم آورد. مقاله حاضر ضمن بررسی ویژگی رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، نقش این رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی را در جریان تحولات منطقه خاورمیانه مورد ارزیابی قرار می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: خاورمیانه، رسانه‌های جدید، شبکه‌های اجتماعی، بهار عربی

مقدمه

عصر حاضر، عصر ارتباطات و اطلاعات است؛ عصری که در آن رسانه اعم از سنتی و نوین نقش مهمی در شکل‌گیری و جهت‌دهی افکار عمومی در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و جهانی بازی می‌کنند. اینترنت و شبکه‌های اجتماعی با جای دادن طیف گسترده‌ای از بازیگران و کنشگران سیاسی - اجتماعی، در فضای مجازی، از یک سو ابزاری برای تبلیغ و اشاعه نمادهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی هستند و از سوی دیگر منبعی مهم در ارائه آگاهی‌های سیاسی - اجتماعی در جهان، عامل ارتباط فعالان سیاسی با مردم و در نهایت برانگیزاننده مهم رفتارهای اعتراضی و بسیج اعتراض‌ها در جهان به‌شمار می‌روند. از این رو می‌توان گفت که اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مهم‌ترین تجلی و نشانه قدرت نمادین، هویت‌سازی و تبلیغات در عصر جدید هستند و سیاست و تحولات سیاسی تا حد قابل توجهی به این رسانه‌های فراگیر وابسته است (سردارنیا، ۱۳۸۸: ۱۵۲). امروزه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی نوین به‌ویژه اینترنت تبدیل به منابعی مهم برای بسیج‌کنش جمعی و ابداعات پس از آن، سازماندهی و عمل جنبش‌های اجتماعی در سراسر جهان شده‌اند (Eltantawi & Wiest, 2011: 1207). اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، دورنمای تعامل اجتماعی را به‌ویژه در میان جوانان تغییر داده است. با توجه به این مطالب، بررسی نقش رسانه‌ها و به‌ویژه رسانه‌های جدید در تحولات اخیر منطقه خاورمیانه، ضرورت انجام این پژوهش را می‌طلبد. در رابطه با نقش رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی در تحولات منطقه، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد و ذهن بسیاری از پژوهشگران و صاحب‌نظران عرصه سیاسی را به خود جلب کرده است. بدین ترتیب نمی‌توان نقش رسانه‌های جدید، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی را در تسریع و



تداوم تحولات انقلابی منطقه خاورمیانه نادیده گرفت. تحولات خاورمیانه مجالی را فراهم نمود تا رسانه و به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی مجازی بیش‌ازپیش ظرفیت‌های خود را نمایان سازند (قاسم‌زاده، ۱۳۹۰). به‌منظور دسترسی به هدف و تحلیل و بررسی نقش رسانه‌ها در این انقلابات و دسترسی به نتایج درست، باید با شناخت ویژگی‌ها و کارکردهای رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، به تحلیل نقش آنها در وقوع تحولات منطقه خاورمیانه پرداخت. سؤالی که مطرح می‌شود این است که رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی چه نقشی در وقوع تحولات منطقه خاورمیانه داشتند؟ در پاسخ به پرسش مزبور، فرضیه پژوهش مبنی بر این موضوع است که رسانه‌های جدید و به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی در شروع تحولات انقلابی نقشی نداشتند اما با شروع تحولات انقلابی در منطقه، در اطلاع‌رسانی، سازماندهی و گسترش تحولات منطقه چه در سطح منطقه‌ای و چه در سطح فرامنطقه‌ای نقش مهمی ایفا کردند.

هدف ما از انجام این پژوهش، پاسخ به پرسش پژوهش است و رسیدن به این هدف، نیازمند بررسی دقیق و منسجم تحولات منطقه خاورمیانه و نقش شبکه‌های اجتماعی در آن است. تحولات و انقلاباتی که نقطه شروع آن با خودسوزی یک جوان سبزی‌فروش تونسی از تونس آغاز شد، در کشور مصر به اوج خود رسید و در کشورهای دیگر منطقه مثل عربستان، یمن، بحرین، اردن و... تداوم یافت. این انقلاب‌ها زیر پای دیکتاتورهای اقتدارطلب و مزدور و متحد غرب را خالی کرده، بعضی از آنها را فراری داده و برخی را هم وادار به اعمال اصلاحات کرده است.

باید اشاره کرد که با تأیید این مطلب که رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی به‌ویژه فیس‌بوک در وقوع و گسترش تحولات، نقش داشتند نباید به این نتیجه رسید که در پشت این داستان کشورهای غربی به‌ویژه امریکا که مبدع این شبکه‌ها است، قرار دارند. این قضاوتی غیرواقع‌بینانه و نادرست است. این کشورها اولاً از اتفاقات رخ داده غافلگیر شده و دچار شوک شدند و ثانیاً به‌هیچ‌وجه راضی نیستند که منافع خود را که در رأس سیاست خارجی آنها قرار دارد به خطر بیندازند. زیرا پس از جنگ سرد، منافع آنها در منطقه با روی کار بودن حاکمان مستبد و دیکتاتور مثل **بن‌علی، مبارک، عبدالله صالح** و... به‌راحتی تأمین می‌شد. بنابراین حال که انقلابات منطقه به‌وقوع پیوسته و دومین‌وار حرکت می‌کند، کشورهای غربی و به‌ویژه امریکا



از این موضوع غافلگیر شده و با حمایت رسانه‌ای از مردم منطقه با عنوان دموکراسی سعی دارند بر موج این تحولات سوار شوند. در حالی که دولت‌های غربی در ابتدا از سرعت انقلاب عربی دچار اشتباه و تعجب شده بودند و درباره دلایل، ترکیب جمعیت‌شناسی و مشروعیت آن، دوپهلوی و مبهم حرف می‌زدند. اما وقتی تأثیر سیاسی معترضان آشکار و سقوط رژیم‌هایی از قبیل مبارک پیش‌بینی شد، اعلامیه‌های رسمی رسانه‌های غربی به سمت حمایت بیشتر از تظاهرات و حقوق مدنی آنها سوق یافت و مشروعیت خواسته‌هایشان فراهم شد (Cottle, 2011: 654).

انقلاب‌های عربی هیچ‌یک نتیجه مهندسی سیاسی و فرهنگی غرب نبوده است. به عبارتی فصل مشترک رویدادهای منطقه، مردمی بودن، ضد دیکتاتوری و غیر وابسته بودن به غرب است. تمامی این قیام‌ها از ماهیت عمیق مردمی برخوردار بوده و توده‌های مردم عرب، رهبری آن را به دست داشته‌اند و در این فرایند، رسانه‌ها و شبکه‌های اطلاعاتی و اجتماعی از طریق اطلاع‌رسانی، هماهنگی و سازماندهی اعتراضات، نقش عمده‌ای در گسترش تحولات منطقه داشتند و به دلیل ارتباط مستقیم این رسانه‌ها و شبکه‌ها با قشر جوان به‌عنوان موتور حرکت انقلاب، تأثیرگذاری آنها زیاد بوده است.

۱. کالبدشکافی رسانه‌های جدید و شبکه‌های اجتماعی

در این بخش از پژوهش به‌منظور بررسی و تحلیل و شناخت نقش اینترنت و رسانه‌های اجتماعی جدید در انقلابات منطقه خاورمیانه، ضمن ارائه تعریف و تقسیم‌بندی از شبکه‌های اجتماعی جدید، به بررسی ویژگی‌ها و کارکردهای رسانه‌های اجتماعی جدید به‌طور مختصر می‌پردازیم.

رسانه‌های اجتماعی جدید با ویژگی‌های خاص خود در واقع اوج انقلاب اینترنتی و قدرت اول دنیای امروز اینترنت هستند و اغلب کاربران، روزانه از گونه‌های مختلف آنها اعم از شبکه‌های اجتماعی و وبلاگ‌ها و غیره استفاده می‌کنند (مولایی، ۱۳۹۰). ویژگی تعاملی بودن شبکه‌های اجتماعی باعث شده که همه‌روزه طیف گسترده‌ای از موضوع‌های متنوع به شکل آنلاین در این شبکه‌ها اتفاق می‌افتد. گاهی اوقات، این موضوع‌ها می‌تواند به فرصت‌های بزرگی مانند مشارکت در



پروژه‌های سیاسی و اجتماعی منجر شود که مصداق بارز این مشارکت سیاسی - اجتماعی را می‌توان در جریان حرکت‌های انقلابی در کشورهای عربی و منطقه خاورمیانه مشاهده کرد (قاسم‌زاده، ۱۳۹۰). در این زمینه، این شبکه‌ها، اطلاع‌رسانی، سازماندهی، سرگرمی و ایجاد شفافیت می‌کنند و به دنبال آن هستند که دولت‌ها را در برابر اقشار مختلف، مسئول و پاسخ‌گو نگه دارند (Ghanam, 2011: 4).

شبکه‌های اجتماعی مجازی، نسل جدیدی از وب‌سایت‌های اینترنتی هستند. در این وب‌سایت‌ها، کاربران اینترنتی حول محور مشترکی به صورت مجازی با هم جمع می‌شوند و جماعت‌های آنلاین را تشکیل می‌دهند. شبکه‌های اجتماعی، متناسب با نوع موضوع فعالیتشان امکانات دیگری از قبیل خبرخوان‌های اینترنتی، بازی‌های آنلاین، قابلیت آپلود کردن ویدیوها و فایل‌های کامپیوتری و برقراری ارتباط با سایر رسانه‌های شخصی را نیز در گزینه‌هایشان دارند (قاسم‌زاده، ۱۳۹۰). جدیدترین چشم‌انداز ارائه شده در سال ۲۰۱۱، رسانه‌های اجتماعی را در هفت گروه اصلی قرار داده است که عبارتند از: ابزارهای انتشار^۱، اشتراک‌گذاری^۲، بحث^۳، تجارت^۴، موقعیت^۵، شبکه‌سازی اجتماعی^۶ و ابزارهای بازی اجتماعی^۷ (FredCavazza, 2011). طبق مدل کاوازا علاوه بر این هفت مورد، موقعیت هشتمی نیز ترسیم شده که در بین کاربردهای توصیف شده قرار می‌گیرد. طبق این مدل، دو غول بزرگ دنیای وب اجتماعی یعنی فیس‌بوک و گوگل در موقعیتی میان همه گونه‌های فوق قرار می‌گیرند. قرار گرفتن در این موقعیت، بدان معناست که این دو مجموعه تقریباً تمامی کاربردهای هفت‌گانه برشمرده شده را پوشش می‌دهند (مولایی، ۲۰۱۱). به منظور دسترسی به هدف این نوشته در زمینه شناخت نقش اینترنت و شبکه‌های اجتماعی در تحولات منطقه خاورمیانه، در زیر برخی از ویژگی‌ها و کارکردهای

¹ Publish

² Share

³ Discuss

⁴ Commerce

⁵ Location

⁶ Network

⁷ Games

شبکه‌های اجتماعی مجازی در دنیای امروز آمده است.

۱. **تغییر شکل ارتباطات:** یکی از ویژگی‌های شبکه اجتماعی، تغییر شکل ارتباطات گفتمانی است. در پایان دهه اول از قرن بیست و یکم شبکه‌های اجتماعی نظیر فیس‌بوک و توییتر دورنمای تعامل اجتماعی و راه‌های برقراری ارتباط بین انسان‌ها را تغییر داده‌اند. به گفته متخصصان ارتباطات، شبکه‌های اجتماعی بیش از پیش رابطه‌های چهره‌به‌چهره را کاهش می‌دهند و در مقابل به گسترش روابط مجازی و دیجیتالی کمک می‌کنند (قوانلو قاجار، ۱۳۹۰).

۲. **عدم کنترل و سانسور:** رسانه‌های جدید موجب گسترش سریع اطلاعات و اخبار در سراسر دنیا شده‌اند و دیگر هیچ حکومتی توان مهار و منحصر کردن اطلاعات را ندارد. رسانه‌های اجتماعی جدید و امواج الکترونیکی برخلاف رسانه‌های سنتی لمسی، قابل سانسور، سوزاندن یا کنترل نیستند (دوراندیش، ۱۳۹۰).

۳. **تبادل اطلاعات و ایجاد پیوند:** فناوری اطلاعاتی نوین موجب شده که رفتارهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و مذهبی ابعاد فوق منطقه‌ای یافته و اقشار مختلف در جهان از آن طریق با یکدیگر ارتباط برقرار کرده و از همفکری و حمایت یکدیگر بهره‌مند شوند (حاتمی، ۱۳۸۸: ۹۹). تکنولوژی و ارتباطات با اطلاع‌رسانی و پیوند دادن گروه‌های همفکر با یکدیگر، تحولات سیاسی را سرعت می‌بخشد. رسانه‌های جدید و شبکه‌های اجتماعی، بیشتر نقش اطلاع‌رسانی، هماهنگی و پیوند مردم را انجام می‌دهند. در واقع اینترنت و شبکه‌های اجتماعی با فشرده‌سازی زمان و مکان، سرعت ارتباطات و پیوندهای درون‌سازمانی را بین فعالان و هواداران اعتراضات که از حیث جغرافیایی از یکدیگر فاصله دارند به صورت بی‌سابقه‌ای افزایش داده است (سردارنیا، ۱۳۸۸: ۱۵۹).

۴. **فراملی بودن و نداشتن مرز:** در عصر جهانی‌شدن، رسانه‌ها جایگاه ویژه‌ای در جهان یافته‌اند و عامل بسیاری از تحولاتی شده‌اند که تا به حال وجود نداشته است. طبیعت این رسانه‌ها فراملی بودن و نداشتن مرز است که در حال حاضر دسترسی به آنها را آسان کرده است (حاتمی، ۱۳۸۸: ۹۴).

۵. **آگاهی بخشی:** در شرایط فعلی نسبت به خواسته‌های مردم دوران جدیدی



به وجود آمده است که درون‌مایه اصلی آن، آگاهی است و این انقلاب اینترنتی و شبکه‌های رسانه‌ای است که آگاهی را به شدت در جامعه بالا برده است. اینترنت از یک سو آگاهی سیاسی افراد را افزایش می‌دهد و از سوی دیگر آنها را در مناسبات سیاسی درگیر می‌کند (دوران‌دیش، ۱۳۹۰).

۶. سازماندهی اعتراضات: امروزه اینترنت و شبکه‌های اجتماعی با اطلاع‌رسانی سریع درباره مسائل حاد جامعه بشری، انتقال نمادهای اعتراضی و تحریک احساسات، به کنش‌های اعتراضی گسترده دامن می‌زنند. مهم‌تر از همه از طریق شبکه‌سازی و سازماندهی، به جذب هواداران بیشتر و انسجام درونی و از سوی دیگر به ایجاد اتحاد و ائتلاف میان بازیگران اجتماعی می‌پردازند. فضای سایبرنتیکی و مجازی از قابلیت‌های بالا برای جستجوی همتایان، ایجاد ائتلاف و هماهنگ‌سازی اهداف و تاکتیک‌های مبارزاتی برخوردار است؛ امری که به وضوح در تحولات اخیر خاورمیانه مشاهده می‌شود.

۲. بهار عربی و رسانه‌های اجتماعی جدید

انقلاب‌های فیس‌بوکی و توییتری و به‌طور کلی انقلاب شبکه‌های اجتماعی ترکیب جدیدی است که به‌تازگی وارد ادبیات سیاسی و جامعه‌شناسی شده است. به‌سادگی می‌توان دریافت که این ترکیب، ریشه در رخداد‌های اخیر خاورمیانه دارد که از تونس و مصر شروع شد و تقریباً تمام مناطق را فراگرفت. آنچه در این تحولات انکارناپذیر بود، تأثیر اینترنت و شبکه‌های اجتماعی در اطلاع‌رسانی، سازماندهی و گسترش سریع تحولات در کشورهای منطقه بوده است. تحولات اخیر منطقه خاورمیانه این واقعیت را آشکار کرد که فناوری‌های جدید از قبیل اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و نرم‌افزارهای جدید موبایل، در گسترش سریع و پایدار تغییرات اجتماعی مؤثر بودند. بهار عربی نه تنها سال‌های دیکتاتوری را به چالش کشید بلکه مردم را توانمند نمود تا مقتدرانه از فناوری‌ها و رسانه‌های جدید برای ایجاد ارزش‌های مشترک و حمایت از انقلاب استفاده کنند (Boughelaf, 2011: 2). تراکم انواع بحران‌ها در منطقه از قبیل بحران اجتماعی و معیشتی، بحران هویت، بحران مشروعیت و بحران کارآمدی، باعث به وجود آمدن تحولات انقلابی در این

کشورها شد و آنچه امروز در خاورمیانه رخ می‌دهد، نتیجه کژروی‌های فرهنگی، سیاسی و مدنی عرب‌ها و دولتمردان سکولار است و همان‌گونه که اشاره شد، فصل مشترک این انقلابات مردمی بودن، ضدغربی بودن و ضددیکتاتوری بودن است. فرضی که در این مقاله در رابطه با نقش اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مطرح می‌شود این است که رسانه‌های جدید و شبکه‌های اجتماعی به‌هیچ‌وجه نقطه شروع این انقلابات نبودند. شروع انقلاب‌ها ناشی از شرایط داخلی و تراکم انواع بحران مشروعیتی بود اما پس از شروع انقلاب‌ها، این رسانه‌ها و شبکه‌ها در اطلاع‌رسانی، سازماندهی و گسترش تحولات، نقش عمده را برعهده گرفتند.

فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات علل تظاهرات و شورش در تونس و مصر و سایر کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا نبود. علل تظاهرات شمال، ترکیبی از عوامل غیرتکنولوژیک از قبیل دهه‌ها سرکوب، حاشیه‌سازی سیاسی و اقتصادی، رکود ساختاری و کاهش مشروعیت و کارآمدی نهادهای دولتی و افزایش قیمت مواد غذایی بود (Comminos, 2011: 5). این حقیقت وجود دارد که این انقلابات در ابتدا و بیشتر از همه، یک انقلاب مردمی و انقلاب منطقه بوده است و ابزارهای اینترنتی، دیجیتالی و شبکه‌های اجتماعی تنها موجب تقویت، تداوم و پیشرفت آن شدند. درست است که انقلاب ۲۵ ژانویه در قاهره از یک صفحه فیس‌بوک منتشر شده و گسترش یافت اما باید در نظر داشت مردم منطقه به‌خاطر حق خود برای تعیین سرنوشت و برای مقابله با رژیم‌های اقتدارگرا به خیابان‌ها آمدند. مردم هستند که انقلاب را ایجاد و اداره می‌کنند نه ابزارها و رسانه‌ها (Hussain, 2011: 1). شبکه‌های اجتماعی و به‌ویژه فیس‌بوک نقش مؤثری در سازماندهی مردم و جوانان که موتور محرک انقلاب بوده‌اند، داشته‌اند. در واقع سازماندهی تظاهرات گسترده در قاهره نخست، توسط یک گروه از جوانان مصری در فیس‌بوک صورت گرفت. در تونس هم همین‌گونه بود. بیش از ۳۵ درصد مردم تونس و بیش از ۲۰ درصد مردم مصر به اینترنت دسترسی دارند. بنابراین در مصر و تونس شبکه‌های اجتماعی مانند توئیتر و فیس‌بوک توانستند موتور حرکت انقلاب را روشن کنند و هر روز بر سرعت آن اضافه کنند (شهابی، ۱۳۸۹). در یمن بسیاری از معارضان فعال اظهار داشتند که هنگامی که برای نخستین بار از طریق فیس‌بوک برای برپایی تظاهرات



فراخوان دادیم، بسیاری از افراد برداشت درستی از تعداد کسانی که این دعوت را اجابت می‌کنند، نداشتند اما نتیجه شگفت‌آور بود.^(۱) اهمیت نقش شبکه‌های اجتماعی و اینترنت به اندازه‌ای بود که می‌توان به پیشنهاد ۱۵۰ میلیارد دلاری پادشاه عربستان برای خرید کامل شبکه‌های اجتماعی فیس‌بوک برای مخدوش‌سازی موج رسانه‌ای خیزش‌های عرب و عدم اشاعه این خیزش‌ها به کشور عربستان اشاره کرد. کارشناسان از شبکه‌های اجتماعی نظیر فیس‌بوک و توییتر به‌عنوان یکی از اهرم‌های مهم و وزنه‌های تأثیرگذار در جریان انقلاب‌های مردمی خاورمیانه و شمال آفریقا یاد می‌کنند. به همین دلیل بود که چندی پس از روشن شدن آتش اعتراضات در کشور بحرین، فیس‌بوک در این کشور فیلتر شده و صفحه اصلی شیعیان این کشور - به‌عنوان بزرگ‌ترین گروه معترض به حکومت - که حدود صد هزار عضو نیز داشت از این شبکه اجتماعی حذف شد.

با جذب و استفاده از رسانه‌های اجتماعی جدید در کشورهای مختلف عربی و با انعکاس نتایج فوری آن در انقلاب مصر و تونس، جهان عرب شاهد افزایش رسانه‌های اجتماعی مستقل و پرجنب‌وجوش و به‌طور پیوسته افزایش مشارکت شهروندان در اینترنت می‌باشد که انتظار می‌رود تا سال ۲۰۱۵ حدود ۱۰۰ میلیون نفر کاربر عرب را جذب کند. رسانه‌های اجتماعی جدید، اطلاع‌رسانی، سازماندهی و ایجاد ارتباط کرده و شفافیت را افزایش می‌دهند و به دنبال آنند که حکومت‌ها را مسئول و پاسخ‌گو نگه‌دارند. بنابراین رسانه‌های اجتماعی جدید هم از طریق تسهیل تعاملات و مراودات عمومی در زندگی روزمره و هم از طریق تأمین ابزارهایی برای سازماندهی نظام تغییر و نهادهای سیاسی دموکراتیک، ثابت می‌کنند که عامل دموکراسی‌سازی هستند (Cottle, 2011: 651).

نقش اینترنت و رسانه‌های جدید در این انقلابات به‌حدی پررنگ بوده است که برخی آن را انقلاب فیس‌بوکی یا انقلاب توییتری می‌نامند. این شبکه‌ها به دلیل ظرفیت و کارکردهای گسترده که در بخش قبلی مقاله اشاره شد، باعث هماهنگی لازم میان جوانان و تظاهرکنندگان منطقه شدند (دوراندیش، ۱۳۹۰). جوامع اسیر دیکتاتوری، نظیر مصر و تونس از پیوند ضعیف اجتماعی رنج می‌بردند. پیوندهایی که حاکمیت اساساً اجازه تشکیل آنها را نمی‌داد. اما درست زمانی که سرکوب



احزاب و نهادهای جامعه مدنی هرگونه امید برای تشکیل ارتباطات را از بین برده بود، به‌ناگاه فضای مجازی با شبکه‌های قدرتمندش از راه رسیدند. شهروندانی که تا پیش از آن هیچ ارتباط سازنده اجتماعی با یکدیگر نداشتند، به‌ناگاه فرصت یافتند تا به‌مدد شکل‌گیری شبکه‌های مجازی با هم ارتباط برقرار کرده و پیوند جدیدی تشکیل دهند. شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی و پیوندهای ناشی از آن، ناگهان انرژی خیره‌کننده‌ای آزاد کرد که ساختار این دو حکومت، توانایی مقابله با آن را نداشتند.

بنابر تحلیل و بررسی «گزارش رسانه‌های اجتماعی عرب»^۱ محبوب‌ترین شبکه اجتماعی در منطقه خاورمیانه، فیس‌بوک است. این گزارش استفاده از فیس‌بوک را به‌عنوان نخستین و استانداردترین کاربرد شبکه‌های اجتماعی در منطقه عرب می‌داند. براساس این گزارش، میزان کاربران فیس‌بوک و توییتر در همه ۲۲ کشور عرب، برجستگی نقش آنها را در جنبش‌های مدنی نشان می‌دهد که منطقه را فراگرفته است. «گزارش رسانه‌های اجتماعی عرب» اشاره می‌کند که شبکه‌های اجتماعی در تحولات انقلابی کشورهای عربی چهار کارکرد داشتند: (۱) سازماندهی (تظاهرات؛ ۲) انتشار اطلاعات؛ (۳) بالابردن آگاهی از وقایع در حال وقوع، به‌صورت محلی و جهانی؛ (۴) تشویق مشارکت مردم در تظاهرات و جنبش‌های مدنی (Arab social medias repor, 2011: 2).

استپانوا هم در مقاله خود به دو کارکرد مهم این شبکه‌ها در تحولات منطقه اشاره می‌کند. (۱) سازماندهی اعتراضات؛ (۲) انتشار اطلاعات تحولات منطقه از طریق تبلیغات بین‌المللی (stepanova, 2011: 2).

درباره نقش شبکه‌های اجتماعی در انقلابی که منطقه خاورمیانه را فراگرفته است، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. برخی از گروه‌ها و صاحب‌نظران، شبکه‌های اجتماعی را به‌عنوان محرکان اصلی انقلابات، و برخی دیگر نیز فقط آنها را ابزارهای توخالی و راکد می‌دانند. با این وجود می‌توان گفت، بسیاری از تماس‌ها و ارتباطات برای اعتراض در منطقه در ابتدا در فیس‌بوک و شبکه‌های اجتماعی دیگر ساخته می‌شد. البته باید اشاره کرد که فیس‌بوک و صفحات آن تنها عامل شکل‌گیری

جنبش‌ها نبودند؛ با این وجود هم نمی‌توان نقش آنها را در بسیج و سازماندهی جنبش انکار کرد (Arab social medias report, 2011: 4).

با رواج اینترنت در کشورهای عربی منطقه خاورمیانه، شبکه‌های اجتماعی و دیگر امکانات اینترنت به دلیل جوانی جمعیت، به پدیده‌ای جوان‌پسند و جامعه‌پسند تبدیل شدند. این شبکه‌ها در ابتدا با هویت اجتماعی وارد جامعه عربی و منطقه خاورمیانه شدند اما به تدریج و با گذشت زمان و به دلیل اعمال محدودیت از سوی دولت بر این شبکه‌ها، به ابزاری سیاسی تبدیل شدند (Arab social medias report, 2011: 24).

در بهار عربی سال ۲۰۱۱، شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ای، نقش مهمی در تجزیه سریع حداقل دو رژیم منطقه، یعنی مصر و تونس و همچنین در توزیع و سازماندهی و بسیج سیاسی اجتماعی در بحرین، لیبی، اردن، یمن، عربستان و سوریه و... ایفا کردند (stepanova, 2011: 2).

یک معترض عربی می‌گوید ما از فیس‌بوک برای برنامه‌ریزی اعتراضات، از توئیتر برای هماهنگی و از یوتیوپ برای اطلاع‌رسانی به جهان استفاده می‌کنیم. یکی از ویژگی‌های شبکه‌های اجتماعی، این است که در آنها جوانان منطقه بدون محدودیت با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کردند. فیس‌بوک، توئیتر و یوتیوپ به آنها اجازه می‌داد که دیدگاه‌های یکدیگر را بدون سانسور تسهیم^۱ کنند و با یکدیگر تبادل و تسهیل اطلاعات نمایند. شبکه‌های اجتماعی، زمینه را برای چیزی که عرب‌ها انقلاب یاسمن^۲ یا بهار عربی^۳ می‌نامند فراهم کرد (sangani, 2011: 21).

بخش عمده‌ای از سازماندهی رخداد‌های مربوط به جنبش‌های عربی در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی به شکل اعلامیه، فراخوان، اخبار، اطلاعات جنبش، چگونگی وضعیت نیروهای انقلابی و نیروهای دولتی، موقعیت‌های جغرافیایی - ارتباطی و پیام‌ها صورت گرفت. برای نمونه در سایت فیس‌بوک، صفحه‌ای با عنوان «پروژه آماده‌سازی هواپیما برای هر رئیس‌جمهور» بر پا شد که طعنه‌ای به رهبران و

-
1. Share
 2. Jasmine Revolution
 3. Arab Spring





دیکتاتورهای کشورهای عرب به شمار می‌رفت. در این صفحه از حسنی مبارک، رئیس‌جمهور مصر و بن‌علی و سایر دیکتاتورهای کشورهای منطقه خواسته شده بود که به فکر بستن چمدان‌هایشان باشند. خبرگزاری الجزیره هم در گزارشی با عنوان «ستاد فرماندهی انقلاب لیبی» در اسفند سال گذشته به نقش پررنگ شبکه‌های اجتماعی و ارتباطات مجازی در انقلاب لیبی اشاره کرد؛ به گونه‌ای که در این گزارش از انقلاب لیبی به نام «شورش سایبری» یاد کرده است. وقتی قذافی در روزهای اول انقلاب، ورود روزنامه‌نگاران را به خاک لیبی ممنوع کرد، تصاویر و مطالب آن به‌زودی در یوتیوب پخش شد. همچنین به حمله نیروهای شورشی با سلاح‌های سنگین لیبیایی استناد کردند. اتحادیه خبری یوتیوب جهانی، علی‌رغم نبود خبرنگاران خارجی، شواهد و تصاویری آشکار از سوءاستفاده از حقوق بشر و فاجعه بشردوستانه در حال وقوع منتشر کرد. بدین ترتیب بحث مسئولیت برای تعقیب و پیگیری در دادگاه جنایی بین‌المللی مطرح شد. باین حال نکته مهم این است که رسانه‌های جدید و سنتی می‌توانند در هشدار به افکار عمومی جهانی نسبت به اعمال سرکوبگرانه و ضدبشری از قبیل آنهایی که در انقلابات جمعی صورت گرفت، مؤثر و ضروری تلقی شوند و حتی می‌توانند دادگاهی عمومی برای بررسی معضلات اخلاقی و عملی مختلف مربوط به مداخله نظامی بشری باشند (cottle, 2011: 656)

۳. رسانه‌های اجتماعی جدید و تحولات انقلابی (مطالعه موردی مصر و

تونس)

در ماه‌های اول سال ۲۰۱۱، جهان شاهد یک‌سری از قیام‌ها و آشوب‌ها در خاورمیانه و شمال آفریقا بود که به‌زودی به‌عنوان بهار عربی شناخته شد. اعتراضات جمعی با خودسوزی یک جوان سبزی‌فروش، ابتدا در تونس و سپس در مصر و با یک توالی، در سایر دولت‌های عربی شامل الجزایر، موراکو، یمن، بحرین، عمان، لیبی، سوریه و عربستان سعودی، همه طبیعت ضددموکراتیک و سرکوبگر این رژیم‌ها را به چالش کشید. در این میان رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی جدید - یوتیوب، توئیتر، فیس‌بوک - به‌همراه وبلاگ‌نویسان آنلاین و تلفن همراه، همه در برقراری ارتباط،



هماهنگی و کنترل جریان اعتراضات در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا نقش مهمی ایفا کردند. بن‌علی در تونس و مبارک در مصر هر دو عزل و اخراج شدند و اقتدارگراهای موقتی هم قول انتخابات و اصلاحات را دادند (Cottle, 2011: 647-648).

بهار عربی به پدیده و شکل جدیدی از اعتراضات اجتماعی و سیاسی اشاره می‌کند که به وسیله شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ای جدید تسهیل می‌شوند؛ به‌ویژه با توجه به نقش سازماندهی و ارتباطی آنها (Stepanova, 2011: 1). انقلاب‌های اخیر به‌ویژه در مصر و تونس، محصول خیزش عمومی جوانان با تأکید بر شبکه‌های اینترنتی و اجتماعی و استفاده بهینه از رسانه‌های اجتماعی جمعی بود. جوانان فعال با استفاده از وسایل مدرن ارتباطات از قبیل یوتیوب، توئیتر و فیس‌بوک، جرقه انقلاب را با اتحاد مردم در کشورهایی مثل تونس، مصر، لیبی و یمن زدند (Berger, 2011: 1).

مصر و تونس دو کشور عمده هستند که انقلاب‌های اجتماعی در آنها موفق شد. در این کشورها، هماهنگی توده‌ها و اقدامات شورشی از طریق شبکه‌های اجتماعی عمده مانند توئیتر و فیس‌بوک برنامه‌ریزی شد (Boughelaf, 2011: 4).

بدین ترتیب چنین عنوان می‌شود که سال ۲۰۱۱، سال شبکه‌های اجتماعی بود. سالی که مردم تونس و مصر با بهره‌گیری از قدرت سازماندهی شبکه‌های اجتماعی برای اعتراض‌های خیابانی موفق شدند دو دیکتاتوری را سرنگون کنند. در انقلاب‌های بهار عربی، فیس‌بوک و توئیتر از طریق سازماندهی و برنامه‌ریزی به کمک اعتراضات آمدند. البته باید اشاره کرد که شبکه‌های اجتماعی در این میان تسریع‌کننده و سازمان‌دهنده تحولات بودند و نه آغازگر حرکت.

انقلاب تونس را علی‌رغم مردمی بودن و با وجود اعتراضات گسترده به عملکرد حکومت ۲۳ ساله بن‌علی، رئیس‌جمهور فراری این کشور، بیش از همه می‌توان «انقلابی رسانه‌ای» و «انقلابی در رسانه» به‌شمار آورد. در تونس، فیس‌بوک به کانون معترضان به حکومت بن‌علی تبدیل شد و معترضان توانستند با تبادل اطلاعات از این طریق خود را برای اعتراضات گسترده‌تر به حاکم دیکتاتور خود آماده کنند. تظاهرات گسترده اجتماعی در تونس با خودسوزی جوان ۲۶ ساله تونسی به نام «طارق طیب محمد بن بوعزیزی» در تاریخ ۱۷ دسامبر ۲۰۱۰ شروع، و پس از



چندی به شورش مردمی تبدیل شد و باعث شروع هفته‌ها تظاهرات خشونت‌آمیز خیابانی در سراسر تونس در اعتراض به بیکاری، فساد و گرانی مواد غذایی شد و به تغییر رژیم ۲۳ ساله بن‌علی و فرار وی از تونس انجامید.

اما آنچه توانست این حادثه دلخراش را به نماد یک اقدام اعتراضی فراتر از زمان و مکان وقوع حادثه تبدیل کند، رسانه‌ای شدن گسترده آن، به‌ویژه به‌واسطه رسانه‌های دیجیتال جدید بود. ظرف مدت کوتاهی تعداد زیادی عکس و ویدیو از این حادثه در سایت‌ها، وبلاگ‌ها و شبکه‌های اجتماعی قابل مشاهده بود و این حادثه به تیر اول بسیاری از خبرگزاری‌های پربیننده جهان تبدیل شد. از زمان آغاز اعتراضات در تونس، در رسانه‌های داخلی این کشور به‌دلیل سانسور گسترده و تهدیدات دولت، به این اعتراضات، بهایی داده نشد و این پست‌های وبلاگی و نوشته‌های فیس‌بوکی بودند که مردم این کشور را در جریان رویدادهای سیاسی قرار می‌دادند. رسانه‌های ماهواره‌ای و اینترنتی که هر دو از کنترل دولت تونس خارج بودند، روزبه‌روز بر حجم مطالب درباره اعتراضات مردمی اضافه می‌کردند. این پوشش رسانه‌ای، علاوه بر آگاه کردن مخاطبان رسانه‌ها در کشورهای مختلف، مردم شهرهای تونس را از حجم اتفاقاتی که در کشورشان رخ می‌داد آگاه می‌کرد تا تبلیغات دولتی که معترضان را گروهی کوچک، تروریست و اغتشاش‌گر می‌دانست، باور نکنند (عشوری‌مقدم، ۱۳۸۹).

شبکه‌های اجتماعی جدید مانند فیس‌بوک، توئیتر، یوتیوب، فلیکر، تلفن همراه و توزیع‌کننده‌های پیام‌های کوتاه، تصاویر و ویدیوهای زنده و بلاگرهای اینترنت، همه نقش کلیدی در قیام اخیر داشتند؛ اگرچه با تعبیرهای متفاوت از تحولات کشورهای مختلف منطقه. به‌عنوان مثال، یک بلاگر تونسی به نام **سامی بن قاییا** ادعا می‌کند که بسیاری از مطالب درباره انقلاب در رسانه‌های اصلی، بیشتر از کاربران تونسی فیس‌بوک ناشی می‌شود. مطالب در فیس‌بوک جمع‌آوری شده و ترجمه می‌شد و سپس در سایت‌ها و وبلاگ‌های شخصی و مستقل معترضان تونسی آورده می‌شدند و سپس از طریق توئیتر به روزنامه‌نگاران عمده منتقل می‌شدند. بدین ترتیب با جریان هر انقلابی (تونس بوعزیزی، ۲۵ ژانویه مصر، ۱۴ فوریه بحرین، ۱۷ فوریه لیبی، ۲۰ مارس عربستان سعودی)، اطلاعات و ارتباطات به‌طور

دائمی به روز می‌شدند و روزنامه‌نگاران و علاقه‌مندان، به آنها دسترسی پیدا می‌کردند. به عبارت دیگر، شبکه‌های اجتماعی جدید و رسانه‌های عمده، اغلب به‌عنوان دیده‌بان یا سگ نگهبان برای رسانه‌های دولتی کنترل‌شده، عامل هشدار به رسانه‌های بین‌المللی برای گسترش اعتراضات و انتشار تحولات و فراهم‌کننده تصاویر خام از این تحولات برای اطلاع‌رسانی جهانی به‌کار می‌روند (cottle, 2011: 652).

اشتباه نخواهد بود اگر بگوییم مهم‌ترین عامل در کمک به پیروزی معترضان تونس، اینترنت بود. در این انقلاب، بخش‌هایی از مردم تشکیل‌دهنده اعتراضات یا رهبران آنها از طریق اینترنت و شبکه‌های اجتماعی اطلاع‌رسانی و تبادل نظر می‌کردند و اصولاً سازماندهی اعتراضات در اینترنت صورت می‌گرفت. انقلاب تونس هیچ رهبری نداشت، هیچ حزب یا گروهی آن را هدایت نمی‌کرد و این خود مردم بودند که از طریق رسانه‌های نوین و در رأس آن اینترنت به سازماندهی و مدیریت جریان اعتراضات اقدام می‌کردند (لواسانی، ۱۳۸۹). بالاخره در ۱۴ ژانویه ۲۰۱۱، اعتراضات با شدت بیشتری ادامه یافت و بن‌علی مجبور شد پس از ۲۳ سال حکمرانی از تونس بگریزد و به عربستان سعودی پناهنده شود. اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی در پیوند با رسانه‌های سنتی‌تر مانند شبکه الجزیره، تنها در گسترش و تشدید اعتراضات در چهارچوب مرزهای تونس باقی‌نماندند. در واقع جرقه‌ای که با خودسوزی جوان تونس زده شد و با پخش رسانه‌ای آن روشن شد و طومار دیکتاتوری ۲۳ ساله بن‌علی را در عرض یک ماه درهم پیچید، به‌واسطه رسانه‌ای شدن گسترده، تأثیر دومینوی چشمگیری برجای گذارد. مصر، لیبی، بحرین، یمن، سوریه، الجزایر و برخی دیگر از کشورهای منطقه به‌سرعت و البته با شدت و ضعف متفاوت، به صحنه اعتراضات مردمی تبدیل شدند. در واقع حوادث خاورمیانه، شواهد خوبی از این ادعا به‌دست می‌دهند که قابلیت فناوری‌های اطلاعاتی جدید در گسترش و تشدید اعتراضات به‌هیچ‌عنوان محدود به سطح ملی نیست.

در مصر، شبکه‌های اجتماعی، سهم بزرگی در سازماندهی و تشویق معترضان بازی کردند که با بهانه سلطه مستبدانه چهل‌ساله مبارک که تجسم فساد، فقر،



بیکاری و وابستگی غربی بود، به خیابان‌ها آمدند. شبکه‌های اجتماعی در این کشور سقوط یک دیکتاتور را رقم زدند. در جریان انقلاب‌های مصر شبکه‌های اجتماعی به نوعی روح جمعی را در مردم تقویت کردند و باهم‌بودن در دنیای مجازی باعث تنها نماندن در میدان تحریر شد. اطلاع‌رسانی سریع و اتحاد افرادی که همدیگر را نمی‌شناختند، دو نقطه قوت شبکه‌های اجتماعی بود (کیانی، ۲۰۱۱). در این کشور، قتل جوانی به نام **خالد سعید**، مشابه حادثه خودسوزی محمد بوعزیزی در تونس، زمینه‌ساز شکل‌گیری اعتراضات مردمی شد. خالد سعید، یک تاجر جوان در اسکندریه بود که ۱۰ ژوئن ۲۰۱۰ به علت نپرداختن پول به دو مأمور پلیس مصری در یک کافی‌نت مورد ضرب و شتم قرار گرفت و بر اثر جراحات وارده کشته شد. در این‌باره صفحه‌ای در فیس‌بوک به یاد او و با شعار «ما همه خالدسعید هستیم»، توسط شخصی با نام مستعار «الشهید» که هیچ‌کدام از فعالان مصری از هویت واقعی او اطلاعی نداشتند، ایجاد شد که علی‌رغم اختلال در اینترنت مصر، بیش از ۳۷۵ هزار عضو را به خود جلب کرد و نخستین اعلام همگانی برای حضور در روز «جمعه خشم» بر روی این صفحه مطرح شد. این صفحه، نیروی محرکه اصلی در اطلاع‌رسانی، هدایت نیروهای انقلابی و محل تجمع اخبار و اعلان‌های مربوط به رویدادهای جاری مصر بود که از رهگذر فضای مجازی، سازماندهی و هدایت می‌شد. شبکه الجزیره با تأکید بر نقش شبکه‌های اجتماعی در شعله‌ور کردن آتش اعتراضی مردم مصر گزارش داد: شبکه‌های اجتماعی آنلاین توسط فعالان برای برقراری ارتباطات و سازماندهی اعتراضات ضد دولتی به کار گرفته شدند. مقامات مصری، اینترنت و خدمات تلفن همراه را مسدود کردند، اما این اقدامات دیر به اجرا گذاشته شد. معترضان، اخبار آنلاین مربوط به اعتراضات روز جمعه (جمعه خشم) را منتشر کردند و فهرست میدان‌های عمومی که مردم باید جمع می‌شدند را به آگاهی همه رساندند. وجود چنین ویژگی‌هایی بود که موجب شد خبرگزاری رویترز در گزارشی درباره انقلاب مصر، انقلاب مردم این کشور را انقلاب فیس‌بوکی نامید و یا پدری مصری نیز به لحاظ نقش مهم فیس‌بوک در کامیابی معترضان در تصرف برخی شهرها در مصر نام دختر نوزاد خود را فیس‌بوک گذاشت (کاویانی‌راد و بویه، ۱۳۹۰: ۴۰۶).



در مصر که شکاف اجتماعی - سیاسی بین نخبگان حاکم و اکثریت مردم به سطح انتقادی رسیده بود، بسیاری از کارشناسان منطقه انتظار انقلاب و تحولات را داشتند. بنابراین وقتی تونس دچار انقلاب شد تحولات، سریعاً از طریق اینترنت و شبکه‌های اجتماعی به مصر گسترش یافت. در مصر، اعتراضات به‌وسیله فراخوان فیس‌بوک که توسط جنبش مخالف ۶ آوریل اداره می‌شد، شروع شد و ده‌ها هزار پاسخ مثبت برای اعتراض به سیاست‌های حکومتی ایجاد کرد. شبکه‌های اجتماعی جدید مانند فیس‌بوک و توییتر، تأثیری اساسی بر تحولات رژیم‌هایی داشتند که از پایگاه اجتماعی کمتری برخوردار بودند یا اصلاً پایگاه اجتماعی نداشتند. این امر در مورد مصر و تونس کاملاً صادق است. شبکه‌های اطلاعاتی و ارتباطی در تحولات خاورمیانه ثابت کردند که می‌توانند به‌عنوان ابزار شتاب‌دهنده قدرتمندی در تحولات و دگرگونی‌های اجتماعی ظاهر شوند. اگرچه زمینه‌های سیاسی و مذهبی انقلاب منطقه خاورمیانه مهم است، اما تأثیر تکنولوژی اطلاعاتی و اجتماعی را هم در وقوع تحولات نمی‌توان انکار کرد (Stepanova, 2011: 2). یکی از ویژگی‌های مهم تحولات مصر، نقش‌آفرینی گروه‌ها و جریانات جدیدی مانند جنبش جوانان ۶ آوریل است که به‌ویژه در آغاز تحولات، بسیار تأثیرگذار بوده‌اند. جریان جدید، دو کارویژه و ویژگی مهم داشته است، یکی اینکه این جریان مسائل اقتصادی مانند بیکاری و فقر را با ضدیت با استبداد، دموکراسی و حقوق بشر گره زده است و دیگر اینکه بستر این جریان جدید، انقلاب چهارم یا انقلاب ارتباطات محسوب می‌شود. انقلاب اول تلفن و تلگراف، انقلاب دوم چاپ، انقلاب سوم ماهواره و انقلاب چهارم انقلاب وب یا ارتباطات است که مؤلفه‌های اصلی قدرت و ثروت در جهان معاصر را تغییر داده است (نوشادی، ۱۳۹۰).

به‌رحال اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی نقش مهمی را در ایجاد یا دگرگونی بسیاری از اشکال کنش جمعی، از اقناعی تا تقابلی و از اقدامات فردی تا اقدامات جمعی برعهده دارند. چنین کارکردهایی در جنبش انقلابی مصر کاملاً نمایان بود (postmes & brunsting, 2002: 290-293). **سحر خمیس و کاترین وون** در مقاله‌ای به‌طور مفصل به این موضوع پرداخته‌اند. از نظر این دو، نقش رسانه‌های جدید در انقلاب مصر به‌ویژه در سه شیوه به‌هم‌پیوسته مهم بود: (۱) فعال کردن

کنش‌گرایی سایبر، که یک برانگیزنده مهم برای کنش‌گرایی خیابانی بود؛^۲ تشویق درگیری مدنی از طریق کمک به بسیج و سازماندهی معترضان؛^۳ و بالاخره فراهم کردن شکل جدیدی از «روزنامه‌نگاری شهروندی»^۱ که عرصه‌ای را برای شهروندان عادی فراهم می‌کند تا خویش‌نشان را بیان کرده و تفاسیر خود از واقعیت را ثبت نمایند (نظری و قلی‌پور، ۱۳۹۰: ۴۱۸). از دیدگاه ماری جویس،^۲ فعالان مصری از فناوری‌های دیجیتال به منظور پخش اطلاعات عمومی، بسیج معترضان از طریق به اشتراک‌گذاری اطلاعات، آفرینش مشترک از طریق طراحی و برنامه‌ریزی جمعی، نجات یکدیگر از طریق گریز از سانسور و انتقال پول استفاده کردند (Joyce, 2011). بنابراین انقلاب مصر نشان‌دهنده فرصت‌های فراهم‌شده توسط رسانه‌های اجتماعی برای بسیج بزرگ‌مقیاس و سازماندهی و اجرای جنبش‌های اجتماعی است (Eltantawi & Wiest, 2011: 1218). در اینجا می‌توان به یک جوک سیاسی در بولتن فارین پالیسی^۳ اشاره کرد: می‌گویند روز قیامت رسیده و انورالسادات، جمال عبدالناصر و مبارک کنار یکدیگر هستند و مسائل را پیگیری می‌کنند که در دنیا چه گذشت و چه بر سر ما آمد. عبدالناصر می‌گوید به من سم دادند و کشته شدم. انورالسادات می‌گوید مرا جوانان انقلابی ترور کردند. مبارک هم می‌گوید مرا هم فیس‌بوک از قدرت برکنار کرد (متقی، ۱۳۸۹: ۸۹).

اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، ابزار قدرتمندی در بسیج اعتراضی بود و این نقش‌هنگامی آشکار شد که رژیم، لزوم کند کردن و یا قطع خدمات اینترنت را برای خنثی کردن معترضان، به‌رغم آسیبی که این اختلال به اقتصاد وارد می‌کرد، احساس نمود. اما محدودیت‌ها، توانایی و اراده معترضان را نشان داد؛ چراکه آنها در مقابل تلاش‌های حکومت برای انسداد دسترسی به اینترنت، مقاومت کرده و روش‌های نوآورانه‌ای را برای دور زدن کنترل پیدا کردند. این مسئله به ما یادآوری می‌کند که فناوری‌های ارتباطی علی‌رغم تلاش حکومت برای کنترل این جریان، به پخش میزان بی‌سابقه‌ای از اطلاعات در طول مرزها انجامیده است (salmon & post,

1. Citizen-journalism
2. Mary Joyce
3. Foreign Policy

(160: 2010). در انقلاب‌های عربی، رژیم‌های منطقه با قطع اینترنت و مانیتورینگ روابط تلفنی و جلوگیری از کار روزنامه‌نگاران خارجی و رد ویزا و دسترسی آنها به کشور، موجب سانسور و محدود کردن جریان اطلاعات شدند. حکومت مبارک در مصر و سرهنگ قذافی در لیبی به دنبال تقویت حامیان دولت در مکان‌ها و زمان‌های خاص از طریق سفارش به ارائه‌دهندگان خدمات اطلاعاتی و تلفن همراه با فرستادن پیام بودند. تاکتیکی که برای گول زدن معترضان به کار گرفته شد. همان‌گونه که *ایوجنی مورازو* در کتاب خود به نام «فریب شبکه‌ای»^۱ به دقت شرح می‌دهد که اینترنت تنها منحصر به تمایلات دموکراتیک نیست، رژیم‌های سرکوب‌گر اکنون سانسور دیجیتالی بیشتری را به کار می‌گیرند، روابط تلفنی را مانیتور می‌کنند، حملات سایبری را به کار می‌گیرند و فعالان رسانه‌ای و مخالفان را نشانه می‌روند. البته شایان ذکر است که فعالان رسانه‌ای به شیوه‌های مختلف کنترل دولت را دور می‌زنند و ابتکار ارتباطاتی را به دست می‌گیرند (Cottle, 2011: 653).

مطالعات انجام شده بر روی افکار عمومی مصر و تونس نشان می‌دهد که از زمان شروع تحولات منطقه، حدود ۳۱ درصد مردم تونس و مصر از فیس‌بوک برای گسترش آگاهی در درون کشور در مورد تحولات سیاسی، ۳۳ درصد مردم تونس و ۲۴ درصد مردم مصر از فیس‌بوک برای انتشار اطلاعات مربوط به تحولات در جهان و ۲۲ درصد مردم تونس و ۳۰ درصد مردم مصر از فیس‌بوک برای سازماندهی اقدامات و فعالیت‌های انقلابی استفاده می‌کردند و تنها ۱۵ درصد از مردم دو کشور معتقدند که از فیس‌بوک عمدتاً برای سرگرمی و مسائل اجتماعی استفاده می‌کنند. بنابراین رسانه‌های اجتماعی و رشد آنها در منطقه در ۳ ماه نخست سال ۲۰۱۱، در بسیج، اقتداردهی، شکل‌گیری افکار عمومی و تأثیر بر تحولات منطقه نقش مهمی داشت. (Arab Social Media Report, 2011: 6). افزایش نرخ رشد استفاده کاربران اینترنتی در شمال آفریقا و خاورمیانه، محمل مناسبی برای اطلاع‌رسانی و افزایش بینش سیاسی مردم مهیا نمود؛ به نحوی که شمال آفریقا با نرخ رشد بی‌سابقه ۷۷/۴ درصدی کاربران اینترنت در سال ۲۰۱۱، رتبه نخست افزایش





رشد کاربران را نشان می‌دهد. خاورمیانه نیز با نرخ رشد ۲۹/۸ درصد در جهان رتبه چهارم را دارا می‌باشد. نگاهی به آمار تعداد کاربران در کشوری مانند مصر با ۲۰ میلیون و ۱۳۶ هزار کاربر و ۷ میلیون و ۲۹۵ هزار و ۲۴۰ عضو فیس‌بوک که ۹ درصد از جمعیت ۸۲ میلیون نفری این کشور را تشکیل می‌دهد، نشانه ظرفیت‌های بسیار زیاد این ابزار در این کشور است. در این راستا نرخ استفاده از توئیتر توسط مصریان در جریان سقوط حسنی مبارک رشد ۱۵۱ درصدی را نشان می‌دهد. در چنین شرایطی از ویدیوهای به اشتراک گذاشته شده در شبکه‌های مجازی در هر روز ۵/۵ میلیون نفر بازدید داشته‌اند. این آمار در مورد تونس با نرخ رشد اینترنت ۳۳/۹ درصد در سال ۲۰۱۱ بسیار چشمگیر است؛ به نحوی که اعضای فیس‌بوک در تونس ۲ میلیون و ۶۰۲ هزار و ۶۴۰ نفر هستند که رشد ۲۴/۵ درصدی را نشان می‌دهد (برازجانی، ۲۰۱۳: ۴۵۰).

شاید جنبش انقلابی مردم مصر نمونه جالب‌توجهی از بحث انعطاف‌پذیری سازمانی و فقدان رهبری متمرکز بر اثر حمایت‌های فناوری جدید را بازتاب دهد. یکی از برجسته‌ترین ابعاد قیام مصر، ساختار سست آن و فقدان رهبران قابل شناسایی بود. این جنبش، کاملاً مردمی، برون‌مرزی و افقی، و بیشتر یک انقلاب از پایین به بالا بود. چارلی بکت^۱ اشاره می‌کند که قیام مصر «کار احزاب اپوزیسیون متعارف یا رهبران کاریزماتیک نبود». بکت معتقد است که ماهیت پراکنده و افقی این جنبش‌ها مقابله با آنها را بسیار دشوار نمود. تنوع و انعطاف‌پذیری آنها یک نیروی ارگانیک به آنها داد. آنها نه سازمان، بلکه شبکه بودند. به عبارت دیگر، این جنبش‌ها بیشتر از آنکه اعمال فردی توسط یک یا چند شخص کارزما باشند، به واسطه فرایندهای جمعی و مؤثر بسیج گروهی به صورت آنلاین شناخته می‌شوند. به همین دلیل است که این جنبش‌ها عموماً با عنوان «انقلاب‌های بدون رهبر»^۲ توصیف می‌شوند. شبلی تلهامی^۳ صاحب کرسی صلح و توسعه انورالسادات در دانشگاه مریلند نیز معتقد است که انقلاب مصر هیچ رهبر واقعی یا نمادینی نداشت

1. Charlie Beckett

2. Leaderless Revolutions

3. Shibli Telhami



بلکه بیشتر برخی «رهبران اتفاقی»^۱ داشت. *وائل غونیم* از این قبیل رهبران است که به طور نامرئی صفحه فیس بوک «ما همه خالد سعید هستیم» را اداره می کرد اما تنها هنگامی مشهور شد که به مدت ۱۲ روز توسط نیروهای امنیتی مصر بازداشت شد. به نظر می رسد این سازماندهی انعطاف پذیر در جنبش های اجتماعی اخیر تا حدود زیادی به واسطه کارکردهای مفید فناوری های اطلاعاتی نوین که بدیل جذابی را برای رهبری کاریزماتیک فراهم می کنند، قابل توضیح باشد (khamiss & Vaughn, 2011: 27-28)

نتیجه گیری

در این مقاله با بررسی ویژگی ها و کارکردهای رسانه های جدید و شبکه های اجتماعی، به ارزیابی نقش اینترنت و شبکه های اجتماعی در تحولات اخیر منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا پرداختیم؛ تحولاتی که نقطه شروع آن از کشور تونس شروع شد و به شکل دومینووار بخشی از منطقه خاورمیانه را فراگرفت. نقطه آغاز این تحولات، شبکه های اجتماعی و تحولات جدید، نبودند، زیرا این انقلاب ها برخاسته از شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی این کشورها از قبیل فقر، بحران سیاسی، دیکتاتوری و وابستگی شدید غربی دیکتاتورهای، عدم توجه به خواسته های مردم، فساد اقتصادی دولتمردان و... بود؛ شرایطی که پیش از انقلاب اسلامی ایران در کشور ما هم حاکم بود. بدین ترتیب مردم این کشورها برای مشارکت در سرنوشت کشور خود و با الگوگیری از انقلاب اسلامی ایران و ریشه مذهبی آن قیام کردند و اعتراض و نارضایتی خود را به گوش حاکمان دیکتاتور رساندند و موفق هم شدند. استدلال این مقاله این است که با توجه به عصر حاضر که عصر اطلاعات و ارتباطات مجازی و عصر زوال فاصله ها از طریق اینترنت و فناوری های تکنولوژیک است، با شروع انقلاب در منطقه، اینترنت و قابلیت های آن از قبیل شبکه های اجتماعی نقش عمده ای در گسترش، سازماندهی و بسیج اعتراضات ایفا کردند؛ تا جایی که از طریق این شبکه ها آثار این تحولات از منطقه خارج شده و به مناطق دیگر مثل اروپا هم سرایت کرد. در حال حاضر فضای



جدیدی در سیاست منطقه‌ای و بین‌المللی شکل گرفته است و هیچ‌کس نمی‌تواند نقش ارتباطات مجازی را نادیده بگیرد. اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مانند فیس‌بوک، توییتر و... فرایند تحولات منطقه را تسهیل و تسریع نمودند. در این زمینه باید اشاره کرد که **توماس فریدمن**، روزنامه‌نگار صهیونیست، در مورد اهمیت شبکه‌های اجتماعی در انقلاب منطقه، از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان مسجد مجازی در مقابل مساجد انقلاب ایران یاد می‌کند.

فهم معمول از کارکرد این رسانه‌ها این است که شبکه‌های اجتماعی، تغییرات را راحت‌تر سازماندهی کرده و به مرحله عمل درمی‌آورند و می‌توانند منشأ موج تازه‌ای از حرکت به سوی دموکراسی در سراسر جهان باشند. اینترنت و شبکه‌های اجتماعی به هسته‌های انقلابی نه تنها اجازه پخش گسترده پیام‌های ایدئولوژیک را می‌دهند، بلکه امکان ارائه برنامه آموزشی و عملیاتی را هم می‌دهند. هرچند این امکان با گذشت زمان شدنی است، اما رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی سرعت و حجم آن را با شبکه‌ای از دوستان و گروه‌های اشتراک اطلاعات، گسترش دادند. در اینجا نمی‌خواهیم بگوییم که اینترنت و شبکه‌های اجتماعی بزرگ‌ترین عامل انقلاب در منطقه هستند، زیرا اگر طبقه متوسط و آگاهی در کار نبود و شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی لازم پیش نمی‌آمد، چه بسا این انقلاب رخ نمی‌داد. شبکه‌های اجتماعی تنها پس از شروع انقلاب‌ها در دامنه‌دار شدن و بسیج اعتراضات نقش عمده داشتند و باید به این نکته هم اشاره کرد که این شبکه‌ها توان برنامه‌ریزی برای اداره کشور و ایجاد نهادهای دموکراتیک را ندارند و نمی‌توانند عامل دستیابی کامل به اهداف و آمال مردم و گروه‌های سیاسی شوند.*

یادداشت‌ها

۱. نگاه کنید به: <http://itna.ir/vdciwwaz.t>.



منابع

الف - فارسی

- اصغریا، علی و محمودی، عبدالصمد. ۱۳۹۰. «نقش شبکه‌های اجتماعی در انقلاب تونس»، *فصلنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، شماره ۲۸۳.
- برازجانی، مریم. ۱۳۹۰. «نقش رسانه‌ها و فضای مجازی در تحولات ژئوپلیتیکی خاورمیانه و شمال آفریقا»، مجموعه مقالات همایش اسلام و تحولات ژئوپلیتیکی خاورمیانه و شمال آفریقا، *انجمن ژئوپلیتیک ایران*.
- پوری، احسان. ۱۳۹۰. «شبکه‌های اجتماعی واسطه میان جامعه و دولت‌های مدرن هستند»، *پایگاه اطلاع‌رسانی رسانه و ارتباطات*:
www.medianews.ir.
- حاتمی، محمدرضا. ۱۳۸۸. «جایگاه رسانه در جهان عرب با تأکید بر اینترنت»، *فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، دانشگاه آزاد واحد شهرضا، شماره چهارم.
- دوراندیش، هومان. ۱۳۹۰. «نقش رسانه‌ها در انقلاب مصر»، *دیپلماسی ایرانی*.
- سردارنیا، خلیل‌الله. ۱۳۸۸. «اینترنت، جنبش‌های اجتماعی جدید و بسیج اعتراض‌ها (بررسی نظری و مصداقی چند جنبش اجتماعی)»، *فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی*، سال شانزدهم، شماره ۴.
- شهابی، سیاوش. ۱۳۸۹. «ضرورت انقلاب و نقش شبکه‌های اجتماعی»، *سایت خودنویس*:
www.khodnevis.org.
- عاملی، سعیدرضا. ۱۳۸۸. «شبکه‌های اجتماعی دوفضایی شده»، *همایش مرکز مطالعات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام «شبکه‌های اجتماعی، فرصت‌ها و تهدیدها»*.
- عشوری‌مقدم، محمدرضا. ۱۳۸۹. «رسانه عربی و انقلاب مردمی تونس»، *مطالعات مصر و خاورمیانه*:
www.historicalstudies.parsiblog.com
- قاسم‌زاده، مرتضی. ۱۳۹۰. «نقش شبکه‌های اجتماعی در تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی»، *پرتال سیاست ما*، دیپلماسی عمومی و رسانه‌ای.
- قوانلو قاجار، مصطفی. ۱۳۹۰. «کارکردهای شبکه‌های اجتماعی مجازی برای دانشجویان؛

مطالعه موردی فیس‌بوک»، *مطالعات فرهنگی و رسانه‌ای*:

mcstudies.ir

کاویانی‌راد، مراد و بویه، چمران. ۱۳۹۰. «تأثیر ژئوپلیتیک رسانه بر جنبش‌های نوین اجتماعی (تحولات خاورمیانه و شمال آفریقا)»، مجموعه مقالات همایش اسلام و تحولات ژئوپلیتیکی خاورمیانه و شمال آفریقا، *انجمن ژئوپلیتیک ایران*. کیانی، یلدا. ۱۳۹۰. «از قاهره تا لندن، تأثیر شبکه‌های مشابه و نتایج متفاوت»:

DW-world.DE

متقی، ابراهیم. ۱۳۸۹. «تحلیل و بررسی انقلاب خاورمیانه»، *سالنامه ۱۳۹۰ روزنامه شرق*. مولایی، محمدمهدی. ۱۳۹۰. «چشم‌انداز رسانه‌های اجتماعی در سال ۲۰۱۱»، *ماهنامه کامپیوتر و ارتباطات*، شماره ۱۰۳.

نظری، اشرف و قلی‌پور، مجتبی. ۱۳۹۰. «ارتباط به‌مثابه انقلاب؟ فناوری‌های اطلاعاتی - ارتباطی نوین و جنبش انقلابی مصر»، مجموعه مقالات همایش اسلام و تحولات ژئوپلیتیکی خاورمیانه و شمال آفریقا، *انجمن ژئوپلیتیک ایران*. نوشادی، حسین. ۱۳۹۰. «تحولات مصر و سیاست خارجی امریکا»، *علم سیاست و روابط بین‌الملل*:

www.psir.tk

ب - انگلیسی

- Berger, maddie. 2011. **Middle Eastern revolution aided by social networking and cell phones**, Palo Alto High School's Hub for Student Publications.
- Boughelaf, Jamila. 2011. **Mobile phones, social media and the Arab**, credemus Associates.
- Comninos, Alex. 2011. **Twitter revolutions and cyber crackdowns, User-generated content and social networking in the Arab spring and beyond**, Association for Progressive Communications (APC).
- Collins, Anna. 2011. "the utility of social media in autocratic Middle Eastern regimes", **the triple helix online, a global forum for science in society**.
- Cottle, Simon. 2011. **media and the Arab uprisings of 2011: research notes**, Cardiff university: Uk, sage pub.
- Eltantawi, Nahed & Wiest, Julie B. 2011. "Social Media in the Egyptian Revolution:Reconsidering Resource Mobilization Theory", **International Journal of Communication**.
- Ghannam, Jeffery. 2011. **Social media in the ARAB WORD: leading up to the uprisings of 2011**, Center for international media assistance



(CIMA).

Hussain, nazia .2011. "the future rises in the Middle East",
www.twitter.com/ramyroofe.

Joyce M. 2011. "The 7 activist uses of digital techonology: Popular resistance in Egypt", **International Center on Nonviolent Conflict**, Accessed April 18, 2011, and available from:

http://www.nonviolentconflict.org/images/stories/webinars/joyce_webinar.pdf.

Khamiss, sahar & Kathrine Vaughn. 2011. "Cyberactivism in the Egyptian Revolution : How civic Engagement and Citizen journalism Titled the balance":

<http://www.arabmediasociety.com/index.php?article>

Postmes, Tom & Brunsting, Suzanne .2002. "Collective action in the age of the internet: mass communication and online mobilization", **Social Science Computer Review**.

Sabadello, Markus .2011. "The Role of New Media for the Democratization Processes in the Arab World":

www.projectdanube.org.

Salmon, C.T., Fernandez, L. & Post, L.A. 2010. " Mobilizing public will across borders: Roles and Functions of communication processes and technologies", **Journal of Borderlands Studies**.

Sangani, Kris .2011. "Arab spring - revolution 2", **Engineering and technology magazine (E & T)**.

Stepanova, Ekaterina. 2011. **the role of communication technologies in the Arab spring, implication beyond the regain**, Institute of world economy and international relations, Russian academy of science

Civil social movement: the impact of facebook and twitter. 2011.

www.Arabsocialmediareport.com.

